

حدیث هفتاد و سه فرقه

<"xml encoding="UTF-8?">



مقدمه

در کتب حدیث از طریق شیعه و اهل سنت روایت شده است که امت موسی پس از او به هفتاد و یک فرقه و امت عیسی پس از وی به هفتاد و دو فرقه تقسیم شدند، و پس از من امتم به هفتاد و سه فرقه تقسیم خواهد شد که تنها یک فرقه اهل نجات خواهد بود، چنانکه از فرقه های هر یک از دو امت موسی و عیسی نیز تنها یک فرقه اهل نجات بود. (1)

1- سند حدیث

عده ای از محققان اسلامی حدیث مزبور را از نظر سند قابل اعتماد ندانسته و آن را نپذیرفته اند، که ابن حزم از آن جمله است. عده ای از آنان نیز آن را مسکوت گذاشته و نفی و اثباتا درباره آن سخنی نگفته اند که ابو الحسن اشعری و فخر الدین رازی از این دسته اند. و گروه سوم کسانی اند که آن را پذیرفته و در صدد شمارش فرقه های هفتاد و سه گانه و تعیین فرقه ناجیه برآمده اند. (2)

با این حال شاید بتوان کثرت نقل و استفاضه حدیث در کتب شیعه و اهل سنت را دلیل بر درستی حدیث از نظر سند دانست. (3) بدین جهت باید به بررسی مفاد و مدلول آن پرداخت که با دو بحث بعدی روشن خواهد شد.

2- کدام فرقه ها و در چه وقت؟

نخستین سؤالی که در مورد مدلول حدیث مزبور مطرح می شود این است که مقصود از فرقه هفتاد و سه گانه کدام یک از فرقه های اسلامی است؟ اگر مقصود فرق اصلی و محوری است، تعداد آن ها کمتر از هفتاد و سه فرقه است، و اگر مقصود انشعابات و شاخه هایی است که از هر یک از فرق محوری پدید آمده است، تعداد آنها بیش از هفتاد و سه فرقه است.

به این سؤال، پاسخهای گوناگونی داده شده است که دو نمونه را یادآور می شویم: الف- مقصود از رقم هفتاد و سه تعداد حقیقی فرق اسلامی نیست، بلکه این رقم کنایه از فزونی فرقه هایی است که پس از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله در جهان اسلام پدید آمده است. همان گونه که مقصود از رقم هفتاد در آیه 80 سوره توبه (4) این است که منافقین هرگز مورد مغفرت الهی قرار نخواهند گرفت، و معنی حقیقی آن مقصود نیست. ولی سیاق روایت که نخست تعداد فرقه های یهود و نصاری را با رقمهای 71 و 72 نام می برد، آنگاه رقم 73 را درباره فرقه های امت اسلامی یادآور می شود، با چنین توجیهی سازگار نیست. (5)

ب- آنچه مؤلفان ملل و نحل را در تطبیق این حدیث بر فرق اسلامی دچار اشکال کرده این است که از آنان خواسته اند حدیث را بر فرقه هایی که قبل از آنان، یعنی حدود سه قرن اول اسلامی، پدید آمده است منطبق سازند، در حالی که حدیث از پیدایش افتراق در امت اسلامی سخن می گوید، و زمان آن را تعیین نکرده است. بنابر این ممکن است رقم یاد شده در حدیث در طول حیات امت اسلامی تحقق یابد، بدین صورت که در هر قرن یا عصری فرقه ای ظاهر گردد، آنگاه در همان فرقه دسته بندی ها و انشعابات پدید آید، و در نتیجه 73 فرقه اصلی و محوری پدیدار گردد، و هر یک دارای شاخه هایی باشد، زیرا هر گاه حدیث از نظر سند پذیرفته شود و از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله صادر شده باشد، قطعاً واقع خواهد شد و فرضیه مزبور می تواند توجیه معقولی برای آن به شمار آید، هر چند تعیین مصداق و بازشناسی فرقه های اصلی از متفرعات و شاخه های آنها به صورت قطعی امکان پذیر نباشد. (6)

3- فرقه ناجیه کدام است؟

در اکثر نقلهای حدیث هفتاد و سه فرقه، یک فرقه اهل نجات و بقیه اهل دوزخ شناخته شده است. این مطلب سبب طرح بحث دیگری درباره مفاد حدیث شده و آن اینکه فرقه ناجیه کدام است؟ در پاره ای احادیث برای فرقه ناجیه دو نشانه زیر بیان شده است:

الف: الجماعة: مقصود از کلمه جماعت، یا جمیع مسلمانان است (7) در مقابل یهود و نصاری و مذاهب غیر اسلامی، و یا اکثریت مسلمانان است در مقابل اقلیت. ولی هیچ یک از آن دو پذیرفتنی نیست، زیرا لازمه فرض

نخست این است که همه مسلمانان اهل نجاتند، و این مطلب با متن حدیث تعارض دارد. و فرض دوم نیز صحیح نیست، زیرا اکثریت به خودی خود دلیل بر حقانیت نخواهد بود، بلکه در طول تاریخ پیوسته جریان برعکس بوده است. یعنی مخالفان پیامبران اکثریت را تشکیل می داده اند. چنانکه قرآن کریم نیز اکثریت افراد را گرفتار انحراف می داند و خطاب به پیامبر اکرم می فرماید:

«و ما اکثر الناس و لو حرصت بمؤمنين». (8)

و باز می فرماید:

«و ما يؤمن اكثرهم بالله الا و هم مشركون». (9)

و عبارتهای «و لكن اكثر الناس لا يعلمون» (10)

و «قليل من عبادي الشكور» (11)

و نظایر آن نیز گویای این مدعاست.

گذشته از این مقیاس اکثریت، در عمل نیز با مشکل مواجه خواهد بود، زیرا در طول تاریخ مذاهب و فرق، اکثریت و اقلیت دارای نوسان بوده است.

ب: ما انا علیه و اصحابی (روش من و یارانم) : این تعبیر بر چیزی جز آیین و شریعت اسلامی دلالت نمی کند، در این صورت نمی تواند مقیاس شناخت فرقه ناجیه باشد، زیرا هر فرقه ای روش خود را مطابق شریعت اسلام و سنت پیامبر گرامی صلی الله علیه و آله و سلم می داند. چنانکه صاحب المنار می گوید:

«تاکنون فرقه ناجیه، یعنی فرقه ای که بر روش پیامبر و اصحاب او عمل کند، روشن نشده است، زیرا هر یک از فرقه های اسلامی روش خود را مطابق روش پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم و اصحاب می داند». (12)

حدیث سفینه و راه نجات

در احادیثی که از طریق شیعه و اهل سنت از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم روایت شده، اهل بیت آن حضرت به عنوان کشتی نجات شناخته شده است، چنانکه حاکم در کتاب مستدرک از ابو ذر روایت کرده است که در حالی که دست در خانه کعبه آویخته بود می گفت از پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم شنیدم که می فرمود:

«ان مثل اهل بيتي فيكم، مثل سفينة نوح من قومه، من ركبها نجا و من تخلف عنها غرق». (13)

موقعیت اهل بیت من در میان شما همانند موقعیت کشتی نوح در میان قوم او است، که هر کس بر آن سوار شد نجات یافت، و هر کس از آن روی برتافت، غرق گردید.

ابن حجر در معنای حدیث چنین گفته است:

«وجه تشبیه اهل بیت پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم به کشتی نوح این است که هرکس آنان را دوست بدارد و آنان را بزرگ بشمارد و از هدایت دانشمندان اهل بیت بهره مند گردد، از تاریکی مخالفت با حق نجات خواهد یافت، و هر کس از آنان روی برتابد، در دریای کفران نعمت الهی غرق و در ورطه طغیان هلاک می شود». (14)

حدیث ثقلین و طریق نجات

گذشته از حدیث سفینه، حدیث ثقلین نیز که از روایات متواتر اسلامی است، طریق نجات را روشن می سازد، و آن پیروی از عترت و اهل بیت پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم است. و جالب این است که یکی از علمای اهل سنت به نام الحافظ حسن بن محمد صمغانی (متوفای 650 ه ق) در کتاب خود به نام «الشمس المنيرة» پس از نقل حدیث افتراق امت نقل کرده است که مسلمانان از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم خواستند تا فرقه ناجیه را به آنان معرفی کند تا از آنها پیروی کنند. پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود:

«انی تارک فیکم الثقلین ما ان تمسکتم به لن تضلوا من بعدی ابدًا، کتاب الله و عترتی اهل بیتی، ان اللطیف الخبیر نبانی انهما لن یفترقا حتی یردا علی الحوض». (15)

پی نوشت ها :

- 1- جهت آگاهی از مصادر حدیث به کتاب بحوث فی الملل و النحل، ج 1، ص 21-24 و 38-39 رجوع شود.
- 2- الفرق بین الفرق، ص 6، مقدمه محمد محی الدین محقق کتاب.
- 3- بحوث فی الملل و النحل، ج 1، ص 23.
- 4- «ان تستغفر لهم سبعین مرة فلن یغفر الله لهم.»
- 5- بحوث فی الملل و النحل، ج 1، ص 35.
- 6- مقدمه الفرق بین الفرق، ص 7.
- 7- چنانکه شهرستانی جماعت را به اتفاق مردم بر شریعت و سنت تفسیر کرده است. (ملل و نحل، ج 1، ص 38-39).
- 8- یوسف / 103.
- 9- همان، 106.
- 10- همان، 21.
- 11- سبا / 13.
- 12- المنار، ج 8، ص 221-222.
- 13- المستدرک علی الصحیحین، ج 3، ص 151.
- 14- بحوث فی الملل و النحل، ج 1، ص 32.
- 15- همان، ص 32 - 33.

